

حضور خودجوش جوانان در عرصه جنگ دفاع مقدس دنیا را متحیر می کرد

علی فرج زاده رزمنده هشت سال دفاع مقدس در گفتگو با خبرنگار هرمز ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس اظهار کرد: جنگ زمانی شروع شد که ما جوانان ونوجوانان آن دوران تازه از زیرپرچم شاهنشاهی خارج شده بودیم و وارد فضای جدیدی شدیم که هنوز نمی دانستیم آینده چه خواهد شد تجربه های نو جوانان را کم کم آماده حرکت و پذیرش ماموریت های بزرگی می کرد.

وی افزود: دل ها آنقدر مشتاق امام خمینی(ره) بود که خیلی زود فرمان برآن بزرگ مردالهی گردید و همه چیزباهم اتفاق افتاد، سرنگونی شاه، تولد جمهوری اسلامی، تحمیل جنگ ازطرف نمایندگان شیطان، درآن برهه پرهیاهو چشم ها ودل ها همه متوجه سکاندار انقلاب، امام راحل بود که ناگهان درمیان بهت وحیرت همگان امام(ره) در تلویزیون نمایان شد و فرمودند: "دیوانه ای آمده وسنگی انداخته ورفته"، این فرمایش که عمق آرامش واطمینان به راه صحیح حضرت امام خمینی را نشان می داد کشور ملت را به آرامشی ویژه رساند.

رزمنده هشت سال دفاع مقدس ادامه داد: بعد از آن یاران امام خمینی ره که سال های اول نهضت فرموده بودند یاران من در گهواره هستند خودشان را شناختند خیلی زود پا به میدان گذاشتند وساختن تاریخ جدید را آغازنمودند و با ورود جوانان ونوجوانان به عرصه نبردی شور انگیز با دشمن زبون دنیارا متحیرنمودوااین قدرت نوهنوز پس از40سال مایه برکت روز افزون شده ودشمنان را دچار شکست ویاس وسردرگمی تدریجی نموده است نبردی که آنها شروع کردند.

وی عنوان کرد: اما دامان خودشان گرفته واستفاده از همه طرفنها ناجیشان نگردیده است و این نوشته باورودبه خاطرات جنگ تا پایان هفته دفاع ادامه خواهدداشت.

فرج زاده گفت: درسال 1359وقتی که دشمن حمله گسترده ای را به خاک میهن اسلامی ماآغازکرد، بنده دانش آموز مقطع راهنمایی بودم و از طریق رادیو اخبار جبهه های نبرد را دنبال می کردم همان اوایل جنگ بود که رهبر بزرگ جهان اسلام حضرت امام خامنه ای که آنموقع

نماینده امام(ره) در شورای عالی دفاع بودند در رادیو فرمودند؛
جنگ از زمین، هوا و دریا هم اکنون باشدت تمام ادامه دارد.

ایشان در ادامه افزود: ما بچه هادوست داشتیم کاری را برای جنگ و
مقابله با دشمن انجام دهیم ولی نمی دانستیم چگونه، تا اینکه حملات
هوایی ارتش بعث عراق به شهرها افزایش یافت و هرروز شاهد دیدن و
شنیدن خبرهای تلخی از شهادت مردم عادی درشهرها بودیم و بنده به
اتفاق چند نفر از همسن و سال های خودم بصورت خودجوش تصمیم گرفتیم
وقتی صدای آژیر خطر حمله هوایی را شنیدیم از همسایه ها بخواهیم چراغ
های منازلشان را خاموش کنند.

فرج زاده خاطر نشان کرد: به همین منظور شب های رفتیم بالای پشت
بام خونه هامون منتظر می ماندیم وقتی آژیر خطر پخش می شد با صدای
بلند به نام همسایه ها را صدا می زدیم مثلا آهای مشی عبدالله گلپ
ها را خاموش کنید که دشمن حمله کرده الان که آن زمان را از خاطر می
گذرانم احساس می کنم خیلی شیرین بود و شک ندارم که خالص برای
خدا بود.

انتهای پیام/